

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن – المان  
۱۸ اگست ۲۰۰۹

## شکوه

( ۶ ) در آلمان :

{ ی }

بار دگر گفت وجب ، اینچنین  
حرف مرا خوب شنو ، با یقین  
طاعت مردان به زنان ، واجبست  
ورنه شریعت ، به میان ، حاجبست  
وای وجب ، دختر افغان نگر  
هرچه دلیل است ، ز قرآن نگر  
عیش و عیاشی ، همه از آن ما  
جای زنان منزل و ، بیرون خطا  
کار زنان ، صرف ، اطاعت بود  
ورنه به او منع شفاعت بود  
وای وجب ، دختر افغان نگر  
هرچه دلیل است ، ز قرآن نگر

خلقت زنها ، فقط از بهر مرد  
 حاصل مقصد شود از گرم و سرد  
 زن چو متاع، نه کم و نه بیش از آن  
 باورت ار نیست ، به قرآن بخوان  
 وای و جب ، دختر افغان نگر  
 در حق زن ، حکم خدایان نگر  
 می شنوم ، حال جوابم بده  
 هم ز گنه ، هم ز ثوابم بده  
 هرچه به دل داری بگو ، بی حیا  
 اصل حقیقت به منت ، بی ریا  
 وای و جب ، دختر افغان نگر  
 غنچه شگفت و گل خندان نگر  
 گفت ! شنو شوهر قربان شده  
 قصه این بی سر و سامان شده  
 زاده شده بنده به کابل زمین  
 ساخت ، مرا جور زمان اینچنین  
 وای و جب ، غنچه خندان نگر  
 شکوه گر از گردش دوران نگر  
 با پدر و مادر و با خواهران  
 هجرتی ، همچو دگر آوارگان  
 بود یکی خواهرم از من بزرگ  
 طعمه شدی در ره هجرت به گرگ  
 وای و جب ، بیشه گرگان نگر  
 رمه شد آواره و چوپان نگر

## شکوه

( ۶ ) در آلمان :

{ ک }

بهرِ دفاعش ، پدرم کشته شد  
هم جسدش ، طعمه به هر بیشه شد  
هستیِ ما رفت ، به بادِ هوا  
گشت تلف ، خواهرکم بی دوا  
وایِ وجبِ گرگ ، فراوانِ نگر  
در دمن و ، دشت و ، بیابانِ نگر

**بقیه دارد**